

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

ناتور رحمانی  
۰۸ مارچ ۲۰۱۳

## نمک پاشی ... !؟

امروز هشتم مارچ روز به اصطلاح (زن) است.

ما نمی دانیم که جهانیان در این روز گور کدام نامرادی ها یا آرزوهای بر باد شده زن را گلباران می کنند، و یا به زعم خویش با ادای واژه های بی محتوای حق و حقوق، حرمت و احترام می خواهند روی زخم های زن نمک بپاشند؟؟؟؟  
زنها در سرزمین تفنگ و تریاک به صورت مشخص از جمع زن های بر باد رفته جهان اند، اگر همجنس های وی در پهنه دنیا ستم دیده اند زن های افغان بیشترین ظلم و انواع بیداد را در درازنای تاریخ تجربه کرده اند ...  
این فریاد ضجه های پُردرد و المناک تمام زن های این سرزمین است که به نحوی جسم، جان و ایمان شان داغ و نشان از تازیانه ستم و ظلم، زورگویی و لجابت آلوده به جهل قسمت بیشتر به اصطلاح (مردان) را دارد !؟  
از کجای درد، از کجای ستم و سیاهی قصه کنم ؟ از آغاز کدام مصیبت، از تاریخ کدام اندوه جانکاه که تلخی آن کام زن را زهر آگین ساخت، از کجا ؟؟؟؟

شاید این غمنامه را از همان نخستین روز پیدایش (زن) برایش نوشتند، آنهم به گناه این که از پهلوی چپ (حضرت آدم) خلق گردید، و از همان دم وی را بد شگون و ساحره خواندند، نماینده ابلیس، مخرب عقیده و ایمان، ضعیف، کم عقل و ناقص گفتند و ... زن این الهه عشق و منشأ محبت را از نهران خانه حرمت راندند، حتا مقدس ترین و زیبا ترین ارتباط جنسی وی را در حصار خانواده، شکل بهره برداری داده به سخریه گرفته و میدل به عقده های جنسی نمودند .  
این همه راه را مافیای دین، یگانه خدمتگار صادق استثمار سرمایه پیمود و ابداع خلقت زن را از طرف چپ (آدم) تمسک قرار داده به آن مفهوم حقیر داد که گویا (زن) این موجود در تضاد با (راست !!؟) یعنی ، به اصطلاح حقیقت، مهارت و صحت قرار دارد ؟؟؟!!!

« گرچه صلابت برهان، توانائی شگفت آور، خرد، کارائی و مبارزات آزادیخواهی زن ، در تطور زمان و ازمنه های مختلف چون خورشید عالمتاب روشن است » مگر دریغ و درد که جهان به کام خرد باختگانی از جنس نرینه گردید و روزگار الهه عشق و مهر، باروری و زایش به سرآمد ...

زن همان الهه، همان معشوق، همان خانم و همان مادر است که امروز می خواهد بغض های حبس شده در گلویش را بر سر جهان فریاد کند، بر سر جهان بی خردان متعصب که به نام (مرد) بدون داشتن اندیشه والا با وجدان مرده شان وحشی تر از حیوان به طور مستدام بر آنها می تازند .

فریاد زن از حنجره دخترها و زنهای برون می شود که آنها را وادار به خود سوزی کردند، این فریاد آن زنهای است که حیوان صفتان گوش ها، بینی، لب ها و پنجه های شان را قطع کرده اند فریاد در گلو مانده مادران نامراد و جوان

چون (نادیده انجمن، نکیه ذکی و هزارهای دیگری مانند آنهاست) که با شمشیر و تبر تنگ نظران مثله شده اند، فریاد درناک دختران نابالغ و دوشیزگان آرزومندی است که چنگال وحشی دیوانه های جنسی و شهوی ناموس شان را بریاد داده و با تجاوز بر حریم پاک شان داغ برجبین خانواده و دامان سپید آن کبوتران بیگناه گذاشته اند، این فریاد زن های سنگسار شده دست نامردان بی همه چیز است که برای پنهان نمودن مدارک جرمی شان آنها را زیر انبار سنگ زنده زنده مدفون کردند، این فریاد تحقیر شدگان ازجنس زن است که هرروز به هرنام از هرطرف سلی می خورد، این فریاد، فریاد ....

مگر این فریاد را کی می شنود، کدام نهاد حقوقی و اجتماعی، کدام سازمان یا انجمن به اصطلاح دفاع از حقوق زن ؟؟؟؟؟ به عکس صدای قاتل ها و ستم پیشه های زن ستیز درهر انجمن بلند است، آنها را از چنگال قانون با عدالت خنثا روی گور زن و امیدهای بریاد شده شان فارغبال و شادمانه می رقصند .

ببین باز هم فریاد بلند است، این فریاد پُردرد و المناک توست ای زن، ضجه های گلوگیر نیمه شب های توست خواهر، گریه های بی صدای تمام آرزوهای بریاد رفته توست دختر، این فریاد غصه های جانکاه و داغهای ناسور دل مهربان توست مادر، که بسیار وحشیانه آن را درهم فشرده اند، و داغدار ساختند ....

برای تو مینویسم ای زن، ای ستمدیده دوران !

می دانی ای عزیز ؟ پاکیزگی نیت و قدسیت اندیشه ات در سرزمینی که از وحشت روزگار و تندباد ستم، خون عشق و باروری آنجا یخ بسته است، در آن دیاری که انسانیت و عاطفه را به گلوله می بندند چه ارزشی می تواند داشته باشد و کی به داد تو خواهد رسید ؟ مگر نمی بینی که فرعون های بی خرد آن ردیف از جاهلان زورگوی، انحصارگران عشق، خنده و آرامی ، بدون گوش، چشم و بینی اند، رنگ خون، شرنگس سکه ها، بوی سوختگی خانه خانه شهر و روستا و بوی بدن سوخته انسان، آن سه عضو شان را بی کار و بی احساس ساخته است ، آنها فریاد تو را نمی شنوند، بدبختی تو را که خود عامل آن بوده اند نمی بینند و بوی جگر بریان تو را نمی شنوند .

می دانی ای عزیز ؟ آن بازیگرهای قهار و آن دلقک های مجرب برای فریب دادن تو روزها را نام گذاری می کنند و به خاطر درد تو اشک تمساح می ریزند که گویا «به زن احترام می گذارند، حق زن را تلف نمی کنند ، مقام وی را که نیمی از پیکر اجتماع و سازنده است تجلیل می نمایند وچه وچه و چههای دیگر» اما در عمل آن خفاش های شب زنده دار، شبگردان شهوت آلوده فارغ و خوشنود به بزم خویش می پردازند و بی هراس خون هزار ها زن آرزومند و دوشیزگان نابالغ را به ساغر عیش خویش می ریزند و در پناه عظمت جنایات شان مست می کنند .

می دانی ای عزیز ؟

مافیای دین دست طمع به مال و ناموس مردم دراز کرده اند، آنها با مکر و شید، با بهانه های رنگین و ترانه های شیرین می خواهند ارزش و مقام تو را ای زن، حقیر و بی بها جلوه دهند، بلی آنها شخصیت پاکیزه و معصوم تو را به پندار مریض خویش گناه آلود جلوه می دهند تا مبدا بگونی من دقیق تر می دانم و بهتر فکر می کنم .

این بدکشان، پارسایان ریاکار حقیقت کُش به حریم حق و مقام تو تجاوز می نمایند، آنها با دهها سفسطه و چرند ، اسفبار این که لشکری از هیزم کشان این تنور تباهی اعم از شرق و غرب در رکاب اند و برای بریادی تو ای (زن) هشت مارچ را جشن می گیرند .

نتیجه فریاد آن زن های کارگر شیکاگو، روسیه و بلاد دیگر چه شد ؟ آن فریاد های پُرعطوفت و انسانی را که زورگونی و مردسالاری به گلوله بست ؟؟؟؟ و تو خواهر باید دوباره آن راه را ببیمائی تا پیروزی نهائی ....

مافیای مذهب، قدرت و پول انگیزه های بریاد کننده استند که با اختیار نمودن راه کذب و پیچیدن به موهومات، دنیای تو را ویران می کنند، زن در دولتی که در پناه سازش، دروغ، تیغ، ستم، تاریکی، جهل، قانون شکنی، خرافات پسندی،

زورگویی و تاراج نفس می کشد متاع کم بها پنداشته می شود، دولتی که شب و روز دستخوش توطئه و سازش باشد ستم مردسالاری چون غباری برخاسته از سُم ستوران تجاوز و تطاول هستی مردم به ویژه (زن) را نابود می سازد .... و امروز یک بار دگر به نام تجلیل از حق و نام زن به زخم های عمیق و خونریز وی که یادگار دست و بازو، سیاست و عقده های بی خردان پُراز تعصب و تنگ نظر است **نمک پاشی** می نمایند اگر به دور از این دلمشغولی ها و رنگبازی های فریبنده به راستی (زن) جایگاه و ارزش خود را در اجتماع بدانند باید هوشیارانه و هدفمند برای نیل به مقصد که همانا حق انسانی و مشروعش است، به دفاع برخیزد، به یقین در این مبارزه و نبرد مقدس غرور پوشالی و زخم خورده زورگویان بی خرد بر زمین لگد مال خواهد شد، زن باید برای نرینه های به خطا رفته کورذهن بفهماند که مأموریت شان در چهارچوب توطئه گری های عقیدتی و سیاسی مبتذل ضد (زن) و مخالفت تنگ نظرانه شان در مقابل استعداد ها و توانائی های وی به نتایج دردناک، خونبار و کثیفی خواهد انجامید .

**شما ای شاگردان جهل مستدام ! بدانید که زن با تمام دگرگونه های اندامی از جنس انسان است و نیمه دیگر (مرد) و بدانید که زیبایی و لطافت پُر مهر جهان از جاهت و عاطفه اوست ....**

---

با آنهم (هشتم مارچ) روز همبستگی زن را به تمنای پیروزی نهائی و پیوستن به نهایت عدالت اجتماعی برای کافه زن های ستمدیده جهان تهنیت می گویم، می خواهم این سازندگان هستی و زیبایی را از یوغ انواع استبداد و استثمار، تنگ نظری و تعصب، پُر غرور و شادمان زیست نمایند .

---

**تو ای خواهر گل باغ ازلی \*\*\* عطر پاکیزه شعر و غزلی  
«ناتور رحمانی»**